

باختر امروز

مؤسس: شادروان دکتر حسین فاطمی
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

استعمار برای مقابله با جنبش ملی و انقلابی دکتر مصدق
روشهای گوناگونی بکار برد... ولی باز خلق بود که حاکم
بود... و برای همین بود که هجوم امپریالیسم آنچنان
ددمشانه صورت گرفت... امروز ما درود هائیان را به
پیشگامان انقلاب که رهبری خلق ایران را در مبارزه اش
بر علیه ظلم و استبداد نظام شاهنشاهی بر عهده دارند تقدیم
میکنیم و خود را در این مبارزه قهرمانانه برای کسب آرمان
های خلق ایران برای آزادی و استقلال و پیشرفت در سنگر
یگانه ای میدانیم.

از: فلسطین الثورة - بناسبت سالگرد کودتای ۲۸ مرداد

رو در روئی اجتناب نابذیر

تضادهای داخلی لبنان در خدمت برنامه منطقه‌ای امپریالیسم

سازمان کمونیستی عرب

در ماه گذشته عده‌ای از انقلابیون مارکسیست صخه در
چند کشور عربی شبکه گسترده‌ای بنام «سازمان کمونیستی
عرب بوجود آورده بودند دستگیر شدند. این افراد که از
فداکارترین و پاک‌باخته‌ترین انقلابیون عرب بودند هر يك قبلا
در یکی از سازمانهای موجود رسمی و نیمه رسمی، فلسطینی
یا غیر فلسطینی عضویت داشته‌اند و در طول فعالیت‌های
خود باین نتیجه رسیده بودند که بدون وجود يك سازمان اصیل
و وسیع کمونیستی، مستقل از بلك بندی‌های جهانی،
مسلح و انقلابی، امکان کسب پیروزی وجود نخواهد داشت.
آنها بخوبی نقش و عملکرد ارجاع منطقه‌ای را در خدمت
امپریالیسم و صهیونیسم می‌شناختند و افاشارگی و ضربه زدن
به منافع آمریکا و مرتجعین را در دستور کار داشتند.

برای ما قضاوت اینکه مبادرت به این شیوه خاص قهر
- و در این مرحله جنگ چریکی شهری - در شرایط حاضر
در کشورهای عربی درست یا نادرست است، ممکن نیست
چون انتخاب شیوه مبارزه متضمن شناخت بسیار دقیق از
مسائل مختلف اجتماعی است و شناخت ما از جامعه عربی
طبعاً باندازه شناخت انقلابیون محلی نیست. معیناً آنچه مسلم
است اینست که نقطه حرکت این رفقها، خط سیاسی و
ایده‌ولوژیکی آنها مطلقاً انقلابی است. اینها از جمله آزاده
ترین و وارسته‌ترین فرزندان خلق عرب هستند. اکنون
مطبوعات ارجحی عربی کارزار وسیعی را برای سلب اعتبار
از این انقلابیون شروع کرده‌اند و این خود معیار دیگری بر
صحت شناخت این انقلابیون است.

این دستگیری‌ها و این ضربت اولیه جبران خواهند شد و
چه بسا در اثر آن تجربه‌هایی آموخته شوند که ارزش آنها
برای خلق عرب بیش از تاثیر این شکست باشد.
پیروزی با انقلابیون راستین و فداکار است.

و خود نیز به شهادت می‌رسد. سه انقلابی دیگر بسا وجود
کثرت نیروها توانستند حلقه تنگ محاصره را شکسته و به
جنگ و گریز با دشمن پردازند که چند ساعت بطول انجامید
و به شهادت سه رفیق و کشته شدن یکی! از نیروهای
دشمن منجر گردید. این روزنامه‌ها چنین می‌افزایند که
ماموران امنیتی در پی تفتیش خانه مسکونی انقلابیون پنج
عدد سلاح کمرب باصدا خفه کن، مقدار زیادی نارنجک و
مواد منفجره و داروهای اولیه به غنیمت گرفته، و همچنین در
زیرزمین خانه بسا يك دستگاه ماشین پلی کیبی و يك ماشین
تجرب و مقدار کتب کمونیستی مواجه شده‌اند، ولی
بقیه در صفحه ۳

امری که در ابتدا مسلم جاوه میکرد، یعنی اکثریت
مسیحیون، مورد تردید واقع شد و سپس بعلت سریعتر بودن
آهنگ رشد جمعیت در میان مسلمانان بکلی معکوس شد.
سنی‌ها و شیعی‌ها بزودی اکثریت یافتند.

شیعی‌ها که از نظر اجتماعی پراکنده و از نظر اقتصادی
فوق‌العاده ضعیف بودند، از نظر رشد جمعیت آهنگی سریعتر
داشتند. صرف ازدیاد جمعیت توأم با بالارفتن سطح آگاهی
آنان موجب مبادرت به تلاش برای سهم شدن در قدرت
اجتماعی شد. در ابتدا مسیحیان حتی بسا نظر موافق باین
جریان می‌نگریستند چه تصور میکردند با ایجاد افتراق در
جناح مسلمان و صنفبندی شیعه و سنی، هر يك از آنها نسبت
مسیحی‌ها در اقلیت خواهد ماند و بهمین دلیل نیز در ابتدا
از کوشش‌هایی که جهت تشکیل شیعی‌ها بعمل می‌آمد حمایت
میکردند. ولی هانظور که خواهیم دید مسائل مختلف دیگر
بقیه در صفحه ۲

در حوادث اخیر خاور میانه، زدوخورد های حزب
کنائب با فدائیان فلسطین موضع خاصی دارد چه گوشه‌ای از
برده‌ای را که بره طرح جامع امپریالیسم برای حل مسائل
خاورمیانه کشیده شده است بالا میزند. در غالب اذهسان
مسئله اصلی نبود تحت‌الشعاع تفاوت‌ها و اختلافات مذهبی
قرار گرفته است بطوریکه نقش امپریالیسم نادیده گرفته
میشود، و این درست همانست که امپریالیسم میخواهد. اینبار
نیز امپریالیسم مانند همیشه تضادهای و اختلافات منطقه‌ای را
برای مقاصد و اهداف خود بخدمت می‌گیرد و میکوشد صخه
بهره‌بردار نهائی از آنها شود.

جامعه لبنان جامعه‌ایست که در آن تقسیم‌بندیهای طبقاتی
تا اندازه زیادی تحت‌الشعاع آن گروه بندی‌های وسیع اجتماعی
است که بر پایه تمفکات مذهبی-قومی قرار دارد. سه گروه
بزرگ اجتماعی - که هر يك بتهنایی اقلیت هستند - یعنی
سنی‌ها، شیعی‌ها و مسیحیان از دیرباز در جدال دائمی برای
کسب مواضع قدرت بوده‌اند. در ابتدای تشکیل کشور لبنان
مسیحی‌ها بتهنایی اکثریت داشتند (و یا اینطور تصور میشد)
و با همکاری دول امپریالیستی توانستند ارکان سیاسی کشور
را بدست بگیرند و رفیق عمده خود یعنی سنی‌ها را به موضع
دوم برانند شیعی‌ها تا همین اواخر به ورت دهقانان پراکنده
ده و نیروی اجتماعی قدرتمندی بحساب نمی‌آمدند.

ولی علت اینکه تفاوت‌های مذهبی توانسته بودند این چنین
تقسیم‌بندی‌های مشخص اجتماعی بوجود آورند این است که
این تفاوت‌های مذهبی در واقع بیانگر ریشه‌های قومی و قبیله
های مختلف نفوس این کشوراند، یعنی این تقسیم‌بندی‌ها معرف
گروه بندی مذهبی - قومی اجتماع است و اصولاً ساختن و
پرداختن کشور لبنان توسط امپریالیست‌ها کلا بر همین مبنا
بود. گوشه‌ای از خفاک عربی که در آن مسیحی‌ها اکثریت
داشتند بطور تصنعی از بقیه جدا شد یعنی ان پایگاهی برای
نفوذ اقتصادی و فرهنگی غرب مورد استفاده قرار گیرد.
اگر این گروه بندی در ابتدا توانست موثر واقع شود و
مذتهای مدبسد شکل تصنعی حکومت واستیلای مسیحیان
بصورت امری طبیعی جاوه کند، مسلم بود صخه دینامیسم
درونی جامعه و نیز حوادث سیاسی کل منطقه در روی آن
تاثیر میگذاشت و این «امر طبیعی» دیرتر یا زودتر بحصاف
طلبیده میشد. در این مصاف چندین عامل تاثیر داشتند.

اخبار

در چند ماه گذشته در گریه‌های متعددی وقوع پیوسته که
در آن عده‌ای از رفقای سازمان‌های انقلابی بنس از وارد
آوردن ضربات سهمگین به شهادت رسیده و یا دستگیر شده‌اند
چون احتمال دارد که پاره‌ای از افرادی که رژیم بعثتوان
کشته شدگان ذکر کرده‌است در واقع شهید نشده باشند و در
دست دشمن اسیر شده باشند لهذا فعلاً از دادن هر گونه توضیح
راجع به این رفقا خودداری میکنیم تا اطلاع اضافی بدست
دشمن نیفتد.

اخبار رسیده از ایران حاکی است که سحر گاه روز ۵
تیر ماه در گیری مسلحانه‌ای میان چهار نفر از انقلابیون و
نیروهای پلیس و سازمان امنیت که با دو هلی کوپتر حمایت
میشدند در یکی از دهات اطراف کرج روی داد. روزنامه
های رسمی پایتخت که شرح این درگیری را بسا عکس و
تفصیلات منمکس کرده‌اند، می‌نویسند یکی از انقلابیون که
زن بوده است برای رهائی دیگر رفقای خود با چند نارنجک
به نیروهای ژاندارمری و پلیس که خانه را محاصره کرده
بودند حمله میبرد که در پی آن یکی از افراد دشمن زخمی شده

این حق مسلم توده‌هاست که خشونت پمپریالیسم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

(بقیه) رو در روئی

قا اندازه زیادی مانع از بهربرداری مسیحی‌ها شدند.

عامل مهم دیگر وجود فلسطینی‌ها در لبنان بود. این درست است که جنگ اعراب و اسرائیل در کل جنگ یک خلق علیه صهیونیسم تجاوزگر است، معیناً این امر نمیتوانست مانع از تظاهراتی بصورت مذهبی شود و مسئله ظاهر جدال مسلمان و یهود را پیدا نکند. بی اعتنائی نسبی جامعه مسیحی به جنگ رسمی در انصراف و درگیر نشدن در آن و در کنار درگیری مذهبی و عاطفی و ملی مسلمانان در مسئله، چنان عامل نیرومندی بود که توانست سنی‌ها و شیعی‌ها را در یک جناح بهم نزدیک کند.

عامل دیگر فقر زائدالوصف شیعی‌هاست که در رادیکالیته کردن نسبی آنها مؤثر بوده‌است و آنها را طبیعتاً - اگر نه همیشه عملاً - علاوه بر مسئله فلسطین، به موضعی در مقابل مسیحیون مرفه سوق میدهد.

عامل دیگر فعالیت‌های گروه‌های چپ لبنان است که عده کمتری از آنان مسیحی هستند و در شکستن وحدت بلوک مذهبی مسیحی مؤثر بوده‌اند.

در جمع اتحاد نسبی فلسطینی‌ها، مسلمانان و چپ‌ها، یعنی اتحاد در مسائل ملی، مذهبی و طبقاتی - صرفنظر از اختلافات و ناپذیردنی‌های درونی، قدرت بسیار پر توانی را بوجود آورد که بطور جدی قدرت اقلیت مسیحی غرب‌گرای حاکم را بی‌تصاف طبید.

بدیهی است نباید تصور کرد هنگامی که فی‌المثل از مسلمانان صحبت می‌کنیم یا توده‌های مشکل‌متجانس و همگونی روبرو هستیم. تقسیم بندی‌های طبقاتی ضرورتاً در هر یک از این گروه‌بندی‌های اجتماعی طبقات خاص خود را بوجود می‌آورد ولی اینجا نیز مانند بسیاری دیگر از جوامع، تقسیم بندی ملی - تقسیم بندی طبقاتی را در اذهان بخش‌هایی از توده که از سطح آگاهی کافی برخوردار نیستند تحت الشعاع قرار میدهد و چون بورژوازی هر یک از این اقوام در مقایسه با توده‌های فقیر خود از امکانات بیشتری برخوردار است لاجرم این بورژوازی علمدار و یا رهبر مبارزات ملی و مذهبی میشود. تا هنگامیکه نیروهای واقعی زحمتکش در احزاب طبقاتی مترقی مشکل نشوند، رهبری بدست عددهای قلیل بورژوا خواهد ماند که در بهترین حالت لیبرال‌های مترادفی نیستند. البته همبستگی چپ لبنان با مسلمانان عامل بسیار مثبتی است که میتواند در طول زمان این رهبری واقعی توده‌ای را بوجود آورد. ولی در عین حال باید توجه شود که در حال حاضر هنوز این مسئله واقعیت نیافته‌است و رهبران مسلمان عمدتاً از بورژوازی هستند. این امر البته نباید مانع از حمایت و در عین حال مبارزه با آنان شود. حمایت نا آخا که مربوط به وحدت آنها با فلسطینی‌ها علیه بورژوازی غرب‌گرای مسیحی است، و مبارزه در آنجا که مسئله تضادهای آنان با کارگران و توده‌های زحمتکش مطرح میشود.

کشورهای عربی که نفوذ زیادی در لبنان دارند معمولاً در جداگانه‌ها جانب مسلمانان را میگیرند و کشورهای غربی با تمام قوا از مسیحیان حمایت میکنند و این دو عامل نیز عوامل بسیار مهم و حتی در مقطع‌های خاص تعیین کننده هستند.

اقلیت مسیحی لبنان عمدتاً از فرقه‌ای خاص بنام مارونیت هستند. بر رأس سلسله مراتب مذهبی شریل قسیس (رئیس رهبانیت کاتولیکی) قرار دارد که فردی اولترا فاشیست است. سازمان سیاسی عمده این فرقه حزب کتابت بریست پیرجیمیل^{۱۱} است که در اتحاد با احزاب سیاسی دیگر همین فرقه و فرقه‌های دیگر مسیحی بلوک بسیار نیرومندی را میسازد که میلیتاریسم مسلح و تشکیلات شبه دولتی دارند. ریاست جمهوری در دست این فرقه و مقامات حساس ارتش توسط همین فرقه کنترل میشود، اسکندر عاتم مرد نیرومند

ارتش از همین فرقه است. در حقیقت اینها ارگان موازی (پارالل) دولت هستند که هرگاه دولت نخواهد و نتواند رأساً وارد میدان شود از وجود آنها استفاده میکند. البته باید توجه داشت که گرچه رئیس حکومت معمولاً سنی است، ولی دولت بمعنای علمی آن همیشه در دست مسیحیان بوده‌است. طبقه حاکمه، بورژوازی مسیحیان است که شرانگش با بورژوازی گروه‌های دیگر نسبی و مناسبت غلبه در آن بفتح مسیحیان است.

اقلیت مسیحی برای حفظ قدرت خود در مقابل فشار روزافزون جناح دیگر به وسائل گوناگون متشخص شده‌است. بحث‌های حقوقی و جدال‌های سیاسی و دیپلماتیک در موارد مکرر جای خود را به قهر و درگیری‌های مسلحانه داده‌اند. ولی توسل به این شیوه آخر همواره در انطباق با استراتژی کلی حامیان آنها یعنی امپریالیسم غرب در منطقه بوده‌است. آخرین بار (غیر از حوادث اخیر) چند ماه قبل از جنگ اکتبر ۷۳، در ماه مه هائاسال نیرو خونینی بین طرفین واقع شد ولی این نیرو بطور روشن برنده و بازنده نداشت. جنگ اکتبر به تقویت مسلمانان کمک کرد، بخصوص که پس از جنگ فلسطینی‌ها به مسلح کردن سنی‌ها اقدام کردند و رابطه خوبی با جناح دیگر یعنی شیعی‌ها برقرار کردند بطوریکه توده‌های شیعی رهبری خود را برای مسلح شدن در فشار گذاشتند و بالاخره تحت فشار خلق، رهبری مجبور به مسلح کردن بخش‌هایی از توده شد. این قدرت‌یابی مسلمانان بیش از پیش برای مسیحی‌ها و غرب خطرناک میشد، ولی البته بدون اجازه غرب یعنی بدون نظر گرفتن مصالح تاکتیکی و استراتژیک آنها مسیحی‌ها نمیتوانستند مبارزه را تشدید کنند و به قهر بکشند. حرکات این دو متحد باید در انطباق و هماهنگی با یکدیگر پیش می‌رفت.

هنگامی که در ابتدا امپریالیسم مسئله تشکیل دولت فلسطین را پیش کشید تزلزل در صفوف فلسطینی‌ها در مقابل پذیرش یارد این پیشنهاد وجود آمد. البته همانطور که در مقاله «جنگ محمود» مندرج در «بخار امروز شماره ۴۷» آبان ۵۲ گفته‌ایم حدی که موافقین و مخالفین این پیشنهاد را از هم جدا میکرد الزاماً میزان و معیار مترقی بودن نبود ولی بهرحال اکثریت عناصر چپ این پیشنهاد را توطئه‌ای پیش ندانسته و رد میکردند در حالیکه بیشتر عناصر ناسیونالیست آزادی‌طلبی‌ها در چند ماه اخیر اما دیپلوماسی آمریکا به بن‌بستی برخورد کرده‌است. لطافت و سرسختی اسرائیل در عدم تخلیه مناطق اشغالی، وضع کسانی را که به دیپلوماسی گام به گام کیسینجر و سادات امید داشتند زیسمان کرده‌است. این دیپلوماسی به انتهای خود نزدیک شده و با وجود اصرار جناح‌هایی از امپریالیسم آمریکا، اسرائیل حاضر به تخلیه نشده‌است. عناصر چپ و گرایش ضد دیپلوماسی کیسینجر و رد دولت فلسطینی قدرت گرفته‌اند بعدی که این امر نه تنها آمریکا را نگران کرده‌است بلکه موجب شده‌است توجه‌های آمریکا مانند شاه به نراحت در نطق خود به اسرائیل اشعار کنند و هشدار دهند که دست از لطافت بردارد و گرنه وضع سادات (بخارینید جناح راست عربی) به خطر خواهد افتاد. درست مقارن همین ایام حمله کتابت به فلسطینی‌های زد کننده طرح دولت فلسطین آغاز شد. قصد آمریکا ضربه زدن به فلسطینی‌ها و کند کردن گرایش تندرو بود، این بخوبی از شروع حمله که با کشتار وحشیانه و غافلگیر کننده عناصر مخالف «دولت فلسطین» آغاز شد هویدا بود. معیناً خوشبختانه این تاکتیک نتوانست شکست صفوف فلسطینی‌ها را تشدید کند. بلکه برعکس همه فلسطینی‌ها صرفنظر از موضعی که داشتند علیه کتابت و احزاب دست راستی بسیج شدند. و نیز برای اولین بار مسلمانان لبنانی مسلح - شیعی و سنی - تمام نیروهای چپ و حتی لیبرال لبنان از آنها کاملاً حمایت کردند. کتابت بزودی منفرد شد و کار بجائی کشید که همالکی‌های کتابت نیز جا حالی کردند. نتیجه مرحله‌ای نبرد بطور روشن و

قطعی بفتح فلسطینی‌ها و چپ‌ها قام شد و نقشه امپریالیسم و کتابت در این مرحله به شکست انجامید.

در این زدوخودترین تعداد کشته‌شدگان از دو هزار نفر تجاوز نکرد و ده هزار نفر مجروح شدند. نفس همین کشتار در میان افشار و عناصری که در جنگ درگیر نبودند نیز احساس تنفر و ازجاری کرد که عمدتاً بحق متوجه کتابت و حامیان اوست. در این جریان‌ها همبستگی شاه و کتابت (پس از آنکه فاش شد که شاه مقصد پذیر زیادی اسلحه در اختیار کتابت گذاشته‌است) حتی برای بی‌خبران نیز روشن شد. از جریانات دیگر جالب توجه بطرف چپ رانده شدن تعداد بیشتری از رهبران لیبرال سنی، قدرت‌یابی رادیکال‌های لبنانی و فلسطینی‌است. رهبری شیعی با وجود آنکه در زمان صلح دم از مسلح شدن توده‌ها می‌زد هنگام جنگ تصمیم به «اعتصاب غذا برای برقراری صلح» گرفت. معیناً خواست توده‌ها چنان روشن و نیرومند بود که امکان هر نوع سازشکاری علنی را از بین میبرد. فلسطینی‌ها با کمک به مسلح کردن مردم لبنان، قبل از زمان و بعد از جنگ، قدرت توده را بوضوح افزایش دادند و این امر بخصوص برای آینده نتایج بسیار خوبی بهار خواهد آورد.

بدیهی است که پایان این نبرد بمعنای پایان جنگ نیست. هم اکنون بسیج و تجویز طرفین پشت ادامه دارد و با احتمال زیاد زدوخورد‌های خونینی که شدیدتر از گذشته خواهد بود در انتظار است. کتابت بنیانگذاری مسیحیان سطره‌چر برای ادامه تسلط مجبور به جنگ است و آمریکا هم علاوه بر همین قصد، برای تضعیف فلسطینی‌ها و نیروهای چپ مشغول توطئه. بعبارت دیگر هنوز عوامل و عناصری که موجب بروز جنگ شده‌اند بقوت خسود باقی هستند و حتی تشدید هم شده‌اند. فورد و شاه پیونده فریاد نیکشند و به اسرائیل هشدار پدران نیدهند. بوی خون از هم اکنون در فضا موج می‌زند.

توضیحات

۱ - حزب کتابت در سال ۱۹۳۶ یعنی مقارن سالهای قدرت یابی نازیسم و فاشیسم در اروپا (آلمان و ایتالیا و اسپانیا) تأسیس شد سالهایی که بحران اقتصادی همچون خورهای در اروپا گسترش میافت و رژیم سرمایه‌داری جهانی برای مواجهه با این بحران و سرکوبی اعتصابها و مبارزات روزافزون طبقه کارگر بدینسان ماهیت واقعی خود را آشکار کرد.

تأسیس حزب کتابت در زمان تسلط فرانسویها بر لبنان با نام «فلازیونیستهای لبنان» برهبری پیرجیمیل انجام شد که از «فلازیونیستهای اسپانیسا» و سیاست فاشیستی آن مایه میگردد. این حزب از بدو تأسیس در حقیقت ادامه سیاست احزاب فاشیستی اروپا بود و از همان ابتدا خود را بعنوان نماینده طبقات ارجیای فوئدال و بعد بورژوازی کچرا در و عامل استعمار و امپریالیسم و صهیونیسم نشان داد.

همچنین میتوان به پیوندهای ارجیای شاه و پیرجیمیل نیز اشاره نمود که چگونه «جوزف شادر» و «ادمون زرق» اعضاء دفتر سیاسی این حزب به دریافت عالیترین نشان شاهنشاهی مفتخر میشوند! و چگونه در پی مسافرت پیرجیمیل به ایران و مذاکرات صمیمانه اش با شاه سبیل اسلحه آمریکائی که بهایش را خلق زحمتکش و ستم‌دین ایران پرداخته و سندش را شاه اعضاء نمود، است از طریق بنادر لبنان به انبارهای اسلحه فلازیونیستها سرازیر می‌شود.....

بقیه اخبار

انقلابیون قبل از ترک خانه تمام اسناد و مدارک لازم را آتش زده و نابود کرده‌اند تا بدست دشمن نیفتد .

انقلابیون شهید رفیق زهت روحی آهنگران ، رفیق مارتیک قازاریان و رفیق محمود عظیمی بلوریان می باشند و دشمن از ذکر نام رفیق شهید دیگر خودداری کرده است . اخبار تایید شده حاکی است که این رفقا اعضای سازمان چریک‌های فدائی خلق بوده‌اند .

رفیق زهت آهنگران از گروه روشنفکران انقلابی بود که مدتها با وفای شهید ، صمد بهرنگی و بهروز دهقانی همکاری داشت ، وی پس از دستگیری رفیق بهروز دهقانی دستگیر و تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار می گیرد ، رژیم که از رفیق جز بعضی ارتباطات محفل و روشنفکری شناسایی بیشتری نداشت او را دو سال در زندان نگهدارند ، رفیق پس از آگاهی از شهادت رفیق بهروز سوگند می خورد که تمام وجود خود را وقف انقلاب ایران و خلق مبارزش کند . پس از رهائی از زندان ، رفیق زهت به سوگندش وفادار ماند و خود را فدای آرمانش نمود ...

درد به رفیق شهید زهت روحی آهنگران و به دیگر شهیدای راه انقلاب رهائی بخش ایران ...

• در تاریخ چهارم خرداد که مصادف با سالگرد شهادت مجاهدین دلیر محمد حنیف نژاد ، علی اصغر بدیع زادگان ، رسول مشکین قام ، علی مهین دوست و محمود عسکری زاده است انفجار شهبندی در کارخانه رنگین (متعلق به صبه‌نویست‌ها) و آتش سوزی وسیعی در کارخانه های فیلیور و فیلکور صورت گرفت .

• در اواخر خرداد ماه يك گروه از سازمان چریکهای فدائی خلق ابراهیم نوشیروان پور ، مهندس شرکت نفت را که اطلاعاتی در خدمت دشمن نهاده بود اعدام کردند .

• در منطقه گردی خیابان فرح آباد ژاله ، يك انقلابی که با موتور مورد تفتیش واقع میشود سه نفر از مزدوران رژیم را از پای در میآورد .

منطقه گردی در تهران پشتت ادامه دارد . پس از منطقه گردی وسیع منجله در فرح آباد ژاله ، خیابان خورشید و زرین نعل و ۲۹ اسفند ، منطقه قطریه در تاریخ ۲۵ خرداد مورد خانه گردی قرار گرفت . ماموران رژیم به مردم میگفتند که چون نخست وز میخواست به منطقه بیاید دو تن از چریک‌ها در منطقه غفی شده‌اند و مادر جستجوی آنها هستیم . البته «جستجوی چریک‌ها» حسب معمول به لای کتابها و روزنامه‌ها ادامه یافت (!) و عده‌ای از کسانی که کتبی نظیر کتابهای صمد بهرنگی و دکتر شریعتی داشتند دستگیر شدند .

مسئله بسیار شایان توجه اینست که بعلاوت درایت انقلابیون و همکاری مردم ، در طول قام برنامه‌های خانه گردی چیز مهمی بدست رژیم نیفتاده است ورژیم از این مسئله بدست خشناک است چه علاوه بر شکست در بدام انداختن انقلابیون موجب شده است که مسئله وجود انقلابیون بیش از پیش مسئله روز مردم شود و نیزه تنها ترس آنها از ، مأمورین ساواک‌هاش باید بلکه تنفر آنها از رژیمی که در زندگی روزمره آنها در چهار چوب خانه هم دخالت و اختلال میکند افزایش یابد .

• پس از اعدام انقلابی دو سرهنگ امریکائی توسط سازمان مجاهدین خلق ، راننده سرهنگان که يك درجه دار

ایرانی است مورد تعقیب و بازجویی قرار گرفته است . اتهام او اینست که چرا انقلابیون او را نکشته اند ، لاید خود همدست آنها بوده است . جریان واقعی اینست که راننده مزبور هنگام حمله و اختطاف انقلابیون شوکه شده و بدون مقاومت بجالت انحاء به کف ماشین میافتد . برای رژیم انحاء نیز جرم محسوب میشود .

• طرح اعدام انقلابی شمسی پور رئیس هنر سراى عالی نارمک (دانشکده علم و صنعت) با موفقیت روبرو نشد . شمسی پور از جمله مزدوران رژیم است که نه تنها طرحهای رژیم را (مانند طرح « هنر برای مردم ») اجرا میکند بلکه خود نیز چیزی بدان می افزاید . علاوه بر آن با ردالت خاصی با دانشجویان مواجه میشود و بازها دانشجویان را تهدید کرده است که آنها را مانند خیل طباطبانی (که دانشجوی این دانشکده بود) نژاد میکند . گروهی از دانشجویان این دانشکده تصمیم به اعدام او میگيرند ولی هنگام اجرا پس از شلیک يك گلوله چون بیم آنت میرفته که فوزه او نیز کشته شود عمل را متوقف میکنند معذرا آنها به او کتبا اختطاف کرده‌اند که در صورت ادامه روش گذشته طرح اعدام او را اجرا خواهند کرد .

• اعتصاب کارگران کارخانه فخر ایران در اوائل خرداد بنظور افزایش دستمزدها انجام شد مأمورین نظامی کارخانه را اشغال کرده و کارگران ا در يك محل جمع میکنند تا یکی از سردمداران کارخانه برایشان نطق کند . جملات زیر از نطق اوست : «چه مرگتان است؟ چه میخواهید؟ شما فکر کردید می توانید از نعمت آزادی سوء استفاده کنید و اعتصاب براه بیاورید؟ مگر امروز زمان اعتصاب است؟ تازه در کارخانه‌های معمولی نمیتوان اعتصاب کرد چه رسد به اینکه این کارخانه متعلق به شخص اعلی حضرت هابونی است» . در این اشغال نظامی عده‌ای از کارگران دستگیر شده و عده‌ای نیز متعاقب آن از کارخانه اخراج شده‌اند . اعتصاب موقتا خاموش شده است ولی کارگران درصدد هستند به مبارزه ادامه دهند .

• عده‌ای از دانشجویان مذهبی دانشگاه صنعتی در روز سوم خرداد بنا به اعتراض به نمایش برنامه های مبتذل استعماری در تلویزیون ، تلویزیون رستوران را خرد کرده ، برق را قطع کرده و وسائل رستوران را مصادره میکنند . پلیس به دانشجویان حمله میکند و پس از دستگیری عده‌ای ، مأمورینش را به تعقیب عده‌ای دیگر میفرستد . یکی از دانشجویان که خانه اش در نارمک بوده با تعقیب کننده‌گان مواجه شده و در جریان دستگیری مقاومت میکند ولی در برابر چشم پدر و مادر ساخورده اش بضرب گلوله جانین رژیم بشهادت میرسد .

• در روز چهارم خرداد عده‌ای از مادران و خواهران زندانیان سیاسی در مقابل کاخ نخست وزیری اجتماع میکنند و خواستار رهائی فرزندان شان میشوند . همانطور که قبلا با اطلاع رسیده است از ابتدای فروردین رژیم حتی کسانی را که مدت محکومیتشان تمام شده آزاد نکرده است و عده‌ای را که در ۶ ماه آخر سال گذشته آزاد شده بودند مجددا دستگیر کرده است . استدلال رژیم اینست که زندانیان پس از آزاد شدن مجددا به سازمانهای « خرابکار » می پیوندند و حتی عده‌ای که سابقا با سازمان خاصی نبوده‌اند و عملیات مسلحانه هم نمیکردند پس از رهائی از زندان به عملیات « تروریستی » روی می آورند (زندان - آموزشگاه بزرگ) بهر حال

توجه

دو سال پیش هنگامی که ارتش لبنان و نیروهای دست راستی حمله گسترده خود را به فدائیان فلسطینی تشدید کردند ما آدرس باختر امروز را که در هر شماره چاپ میشد برداشتیم و از خوانندگان خواستیم که از آن طریق با ما مکاتبه نکنند چون نامه ها کنترل میشد . معذرا ضرورت ناس از جانب پاره‌ای از خوانندگان چنان بود که باز مکاتبه‌ها ادامه می‌یافت . اکنون دوسال پس از آن تاریخ حمله با جنایتکارانه عناصر دست راستی لبنان علیه وطن پرستان مجددا به خوانندگان یادآوری می‌کنیم که با آدرس بیروت تماس نگیرند و در صورت ضرورت با آدرس زیر مکاتبه کنند .

آدرس پستی

P.O. Box 5111 - Moalla, Aden

People's Democratic Republic of Yemen.

و مکتهای مالی خود را به حساب بانکی زیر ارسال دارند.

National Bank of Yemen

P. D. R. Y., Aden. Steamer point

Account No. 59323

بقیه جریانات قم

از طرف طلاب و فضلا پافشاری میشود که مراجع در دفاع از زندانیان و مخصوصا در باره اینکه اینها همه از ما هستند چیزی بنویسند . مخصوصا با توجه اینکه ساواک به یازداشت شدگان اتهامات زیادی زده و تقریبا همه روزنامه‌ها با تفسیرهای گوناگون طلاب را به کمونیست بودن متهم میکنند ، شاید برای اینکه عده‌ای را محکوم کنند یا عملشان را توجیه کنند .

مأمورین نخست وزیری پس از اینکه نتوانستند با خشونت موجب تفرق خانواده ها شوند از ترس بالا گرفتن موضوع موافقت کردند که دو نماینده بداخل کاخ بروند .

بلافاصله یکی از مادران مجاهدین زندانی و یک نفر از مادران فدائیان انتخاب میشوند . این دو نفر پس از درمیان گذاشتن مسائل خود نتیجه‌ای نگرفته و خارج میشوند ولی مورد تعقیب قرار میگیرند مادر مجاهد که چادر بسر داشته موفق به فرار میشود ولی مادر فدائی گرفتار میشود . مأموران پس از سعی در ایجاد نفاق بین او که بی حجاب بوده و مادر مجاهد که چادری نامیده میشود و نتیجه نگرفت ، استدلال میکنند که چادر این خطر را دارد که زیر آن بعب حمل میکنند !

• خوش خدمتی ارتش ضد خلقی شاه در عمران منطقه ! روزنامه کیهان مورخه ۲۵ تیر ماه ۵۹ نوشت که « ساختن جاده استراتژیکی مانستون به آخارات بطول ۳۷ کیلومتر توسط گروه مهندسین ارتش شاهنشاهی دو روز بیش در منطقه ظفار پایان یافت . احداث این جاده به برقراری امنیت !! در منطقه ظفار کمک شایان کرده است . در گذشته عناصر شورشی در مسیر رفت و آمد مردم و ارسال تدارکات و مهات از مانستون به آخارات مین کار میگذاشتند . اکنون جاده مذکور تنها مسیر ارتباطی مانستون و آخارات بشمار می‌رود و ساختمان آن فعالیت‌های خرابکارانه شورشیان !! و عملیات مین گذاری در این مسیر را کاملا محدود کرده است . با این خبر میتوان به ماهیت تلاشهای رژیم در عمران منطقه پی برد .

همه امکانات را در خدمت مبارزه انقلابی زحمتکشان قرار دهیم

پیام حضرت آیه الله العظمی خمینی به ملت ایران

نظر به سازمانت و اداره میشوند و هر چه دیکته کنند مینویسند و هر همتی خواستند هر مقامی میزنند .

ولی با همه مصیبتی پیدا می آید ملت مایه امید است . مخالفت دانشگاههای سراسر ایران - برجست اعتراف شاه ، و مخالفت ملت ، با همه فشارها و قادیها ، طلیم بدست آوردن آزادی و رهائی آزادی و رهائی از قید استعمار است . شرکت نکردن ملت غیور در حزب فرمایشی و انتخابات خاناننه ، نمونه بیداری و پیروزی است .

اینجانب به ملت بزرگ و عزیز ، پس از تسلیت در این مصیبتهای دطراش و تسلیت در اهانت به قرآن کریم و حریم اهل بیت طهارت علیهم السلام و تسلیت در واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ و ۱۷ خرداد ۵۴ تبریک میگورم بر این روشنفکری و آزاد منشی ، تبریک میگورم بر طلوع صبح آزادی و قطع ریشه استعمار و اعمال خبیث آن .

سلام بر مقتولین و مصدومین ۱۵ خرداد .
سلام بر مصدومین و مظلومین ۱۷ خرداد .
سلام بر طبقات اهل علم و خطبای محترم .
سلام بر جوانان غیرتمند دانشگاههای ایران .

سلام من بر مؤمنین و مسلمین سراسر کشور که با عدم شرکت در حزب تحمیلی و انتخابات غیر قانونی مشت محکم بر دهان یاره سرایان زدند و وفاداری خود را به اسلام و مسلمین ثابت کردند .

سلام من بر زنده انبیا که در راه هدف مقدس اسلام در زیر شکنجه بسر میبرند .

سلام من بر جوانان و دانشجویان غیرتمند ایرانی خارج کشور که با کوشش ارزنده خود به اسلام و برادران مسلم خود خدمت میکنند و فجاج استعمار و اعمال آزار برمسلا میکنند .

من در این لحظه های آخر عمر نگرانیهای فراوان دارم . خوف از آن دارم که این شخص که به هر حیلای متشبث شد ، مواج با مخالفت ملت و طبقه جوان شد ، پیش از این مبتلای به تشنج اعصاب شود و ملت مظلوم را نیز از این به خاک و خون کشد و با همت مرجع سیاه و بیوطن سرخ ، علمای اسلام و دانشمندان و روشنفکران را قتل عام کند . به خدا وند متعال از شر عناصر خبیثه پنهان میبرم و قطع ایادی اجانب را مسکلت مینمایم .

والسلام علیکم ورحم الله

۱ شهر رجب ۱۳۹۵

روح الله الموسوی الخمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت عموم ملت شجاع و مظلوم ایران ایدم الله تعالی

اخبار واصله از ایران ، بدنبال شکست مفتضحانه شاه در حزب بازی جدید ، با آنکه موجب کمال تأسف و تأثر است مایه امید و طلیم درخشان آزادی است . تأسف از آنکه در عصری که منتهای یکی پس از دیگری از زیر یوغ استعمار خارج میشوند و استقلال و آزادی خود را بدست میآورند ، ملت بزرگ مسلم ایران ، با گناشته شدن یکی از مؤثرترین افراد و یکی از رجال بی جن و جرات استعمار و سایه افکنند و حشمتا کترین استبداد و حشیانه بر سرش کشور ، از قام شوون آزادی محروم ، و با اجمیع مظاهر استبداد و ارتجاع دست بگیریان هستند . سازمان امنیت ایران ، بدستور شاه بصورت اداره تقیث عقائد قرون وسطایی درآمد و با مخالفان حزب تحمیلی شاه که اکثریت قاطع ملت متدین است با انواع تهدیدها و اهانتها و ضربها و شکنجه های و حشیانه رفتار میکنند .

ملت ایران از علماء ، دین نا دانشکاهی ، و از بازاری تا زارع ، و از کارگر تا اداری و کارمند جزء ، باید معتقد به عقیده شاه باشند ، گرچه بر خلاف اسلام و مصالح مسلمین و ملت باشد . گرچه استقلال ملت و آزادی همه را بر باد دهد ، و در صورت تحلف ، سرنوشته آنها ضربه و حبسها و شکنجه ها و محرومیتها از حقوق انسانی است و متخلفین ، مرجع سیاه و بیوطن سرخند و باید سرکوب شوند . تأسف ، از سرکوب کردن ملت مظلوم و هجوم بدانشگاههای سراسر کشور ، تأسف ، از واقعه جانسوز ۱۷ خرداد (۵۴) مدرسه فیضیه و دار الشفا که واقعه قتل عام ۱۵ خرداد ۴۲ را زنده سکود ، و یورش بی رحمانه و مسلحانه عمال استعمار بر مدارس دینی که جز با علم و فقه اسلام و دفاع از قرآن کریم و احکام سازنده اسلام کوری ندارند و شکست سر و دستها و در و پنجره ها و کوبیدن تا سرحد مرگ ، و پرتاب کردن جوانان بی پناه از پشت بامها ، بجرم اظهار عقیده بر خلاف حزب شاهی ، بجرم سوگواری برای مقتولین ۱۵ خرداد ، که بحسب نقل بعض از مطبوعات خارجی ، عدد مقتولین (در ۱۷ خرداد امسال) به چهل و پنج نفر رسیده و عدد مجروحین بسیار است ، که در بیمارستانها پذیرفته نشده اند و بیش از سیصد نفر در زندانها بسر میبرند که سرنوشته آنها معلوم نیست . این است وضع کشور مترقی ! این است معیار دموکراسی شاه ! این است حال مملکت آزاد مردان و آزاد زنان ! تأسف ، از وضع مطبوعات ایران ، که مستقیماً زیر

باختر امروز

BAKHAR EMROOZ, No. 66, JULY 1975, Vol. IV

این نوشته خلاصه وقایع اخیر قم است بهمین

صورت بدست ما رسیده است

بسم الله الرحمن الرحيم

قضایاتی که در این بازه خرداد رخ داد .

روز پنجشنبه پانزدهم خرداد ، برای بزرگداشت خاطره پانزده خرداد در مدرسه فیضیه بعد از نماز عشاء مجلس یادبودی منعقد شد و طلاب و فضلا به شعار دادن و صلوات فرستادن مشغول شدند . شماره بسیار جالب ، انقلابی و سازنده بود ، و چون بلندگو در اختیار طلاب بود صدا از مدرسه خارج میشد . بلافاصله از طرف مقامات انتظامی مدرسه فیضیه بسته شد و در بین مردمی که اطراف مدرسه جمع شده بودند گاز لثک آتور انداختند و آنها را متفرق کردند ، و طلاب در محاصره پلیس درآمدند . محاصره که از ساعت ۹:۳۰ بعد از ظهر پنجشنبه شروع شد بود بطول انجامید . پلیس نه تنها از آمد و رفت بلکه از فرستادن غذا برای طلاب جلوگیری میکرد ، و غذاهایی که از طرف مراجع برای طلاب محاصره شده فرستاده شده بود را برگردانید . البته طلاب خارج مدرسه از دیوارها و راههای رودخانه غذا بداخل میفرستادند .

تا ساعت ۸:۳۰ بعد از ظهر روز جمعه ۱۶ خرداد راهپای غیر عادی - از قبیل دربیچه کوچک پشت فیضیه به رودخانه کنترل نبود و عده ای از طلاب از این راهها خارج شدند ولی با ورود گماندوها از تهران به قم اوضاع عوض شد ، حلقه محاصره تنگ تر گشت . همه راهها و حتی منافذی که ممکن بود از آنها داخل مدرسه دیده شود سخت تحت مراقبت بود ، و طلاب هم در طول مدت محاصره به شعار دادن خود ادامه میدادند . وحشت سراسر قم مخصوصاً صحن و مدارس فیضیه و دار الشفا را گرفته بود و تقریباً از صبح شنبه برای همه مسلم بود که توطئه ای در کار است و خطر نزدیک . همه خطر قریب الوقوع را پیش بینی میکردند و حق صبح شنبه ۱۷ خرداد فضلا و طلاب همه به مراجع گوشزد کردند که طلاب داخل در خطرند و باید بوسیله ای آنها را نجات داد و حتی پیشنهاد شد که باید مراجع با یکی از آنان داخل مدرسه شوند و طلاب را که در محاصره بودند بیرون بیاورند و اگر پلیس هم مانع ورود مرجعی به مدرسه شد لا اقل پشتیبانی آقایان را از طلاب می فهمد . بالاخره آقایان هم یکی استخاره کرد ، دیگری صلاح ندانست و سومی ترسید به مقامش توهین شود و هیچکدام دخالتی نکردند . تا اینکه ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر شنبه گماندوهای جنایتکار و عده ای سرباز وارد مدرسه شدند و دست به چنانش زدند که روی جنایات سابق را مفید کرد .

حمله فوق العاده شدید و حشیانه بود . همه مظلمین و افرادی که در آن سال روز وفات امام صادق (ع) ناظر حمله به مدرسه فیضیه بودند معتقدند که این حمله برانتب و حشیانه تر بود . گماندوها ابتدا به طلاب حمله کردند و نتوانستند زدن و کوبیدن و از طبقه بالا پرت کردند و پس از آنکه همه طلاب دو مدرسه - فیضیه و دار الشفا - را بازداشت کردند از اطلاعات تقیث دقیق بعمل آورده ، در و پنجره را شکسته و همه طلاب را به شهربانی برده و سپس روز

بعد تهران فرستادند . عده بازداشت شدگان حدود ۲۰ نفر است که در بین آنان ۱۵۰ نفر زخمی و دست و پا شکسته وجود دارد . افرادی که حالشان وخیم بوده در بیمارستان بستری شده و افرادی که خونریزی مغز داشته یا جراحاتشان زیاد بوده در گذشته اند عده کشته شدگان تا ۳۰ نفر هم می رسد . پس از این حمله وحشیانه نازها و در سهای سراسر قم تعطیل شد . طلاب به منزل مراجع رفتند و مراجع هم نمایندگانی به شهربانی فرستادند تا از بازداشت شدگان دیدن کنند شهربانی هم اجازه ملاقات با طلاب سالم را داده بود ، ولی به هیچ وجه اجازه ملاقات با مجروحین ندادند . مراجع اجتهادی منجمده در منزل آقای حائری و علامه طباطبائی داشته اند و

بقیه در صفحه ۳ -

با تأیید قلم نویسندگان و مجریان دفتر امور مطبوعاتی و انتشارات

اعضای هر گروه مخالف سلطنت تیر باران می شوند

مخالفان هر گروه مخالف سلطنت تیر باران می شوند . در این باره ...

نگ و نفرت بر کودتا چیان مرداد ۳۲